



دانشگاه تربیت معلم بروجرد

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد (M.A.)

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بررسی عنصر گفت‌وگو در ده داستان برگزیده

(سوشون، تنگسیر، جای خالی سلوچ، هجرت سلیمان، سازه احتجاب، درخت انجیر معابد، همسایه‌ها، باغبان، مدیرمدرسه، زنی که مردش را کم کرد)

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم رحیمی

استاد مشاور:

دکتر ابراهیم استاجی

نگارش:

محمد ایوبی

زمستان ۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت علم هرمزوار
معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

فرم ۱۱۴- ت

شماره:

تاریخ:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه ی کارشناسی ارشد

با تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید جلسه دفاع از پایان نامه آقای محمد ایوبی دانشجوی نیمه حضوری رشته زبان و ادبیات فارسی با عنوان: **بررسی عنصر گفت وگو در ده داستان برگزیده** در ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸ در محل دانشکده ادبیات تشکیل گردید.

پس از استماع گزارش ارائه شده توسط دانشجو و استاد راهنما هیات داوران و حاضران سئوالاتی را مطرح و آقای محمد ایوبی به دفاع از موضوع پرداخت و به سئوالات آن ها پاسخ گفت.
سپس پایان نامه توسط هیات داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و نمره برابر درجه برای آن تعیین گردید.

به این ترتیب ضمن تصویب پایان نامه مزبور از این تاریخ آقای محمد ایوبی به عنوان کارشناس ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی شناخته می شود.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	امضا
۱	ابوالقاسم رحیمی	استاد راهنما	
۲	ابراهیم استاجی	استاد مشاور	
۳	علی عشقی	استاد داور	
۴	احمد فتوحی نسب	نماینده تحصیلات تکمیلی	

نام و نام خانوادگی و امضای مدیر

گروه

رونوشت

۱- معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه جهت اطلاع

۲- معاونت پژوهشی دانشگاه جهت اطلاع

۳- آموزش دانشکده جهت درج در پرونده دانشجو

۴- دانشجو



دانشگاه تربیت معلم سبزوار
معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

سوگندنامه دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت معلم سبزوار

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک، کوشش خویش و بهره‌گیری از دانش استادان و سرمایه‌های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه‌ای از دانش و خرد گردآورده‌ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می‌گیرم که از همه دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره‌گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می‌بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته‌باشم و همنوعان خود را در هر زمان و مکان تا سرحد امکان یاری دهم. سوگند می‌خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مابینت دارد دست نیازم. همچنین در سایه اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می‌بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم‌میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافرازف بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

نام و نام خانوادگی و امضای دانشجو:

محمد ایوبی



فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی
دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: ایوبی	نام: محمد	شماره دانشجویی: ۸۱۳۳۳۲۱۰۵۸
استاد راهنما: دکتر ابوالقاسم رحیمی	استاد مشاور: دکتر ابراهیم استاجی	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	رشته: زبان و ادبیات فارسی	
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۱۲/۰۸	تعداد صفحات: ۵۷۰
عنوان پایان‌نامه:		
بررسی عنصر گفت‌وگو در ده داستان برگزیده		
کلیدواژه‌ها: گفت‌وگو، زبان، داستان، ادبیات.		
<p>داستان دریچه‌ای است به دنیاهای بزرگ‌تر و برتر و زبان کلید آن است. ارتباط گرم‌ترین حس زندگی است. خونی است که به رگ‌های فسرده‌ی اجتماع گرما و حیات می‌بخشد و زبان دنیایی عظیم! دنیایی عظیم با پنجره‌هایی رنگارنگ و پر از حس ارتباط. پنجره‌هایی همچون: گفتار، اشاره، نگاه، نجوا، سکوت، صوت و</p> <p>هویت فرهنگی هر جامعه‌ای را در زبان آن جامعه می‌توان دید. زبان هر شخصی معرف اوست و معرف جامعه‌ای که او در آن به سر می‌برد. گفتار ما آینه‌ی تمام‌نمای شخصیت ماست.</p> <p>انسان‌ها همه یک گونه سخن نمی‌گویند و عواملی هم‌چون: طبقات اجتماعی، تفکرات، عقاید، گرایش‌ها، سن، تحصیلات، جنس و احساساتی هم‌چون: خشم، نفرت، عشق و ... در آن اثر دارد.</p> <p>چون داستان میدان حضور شخصیت‌هاست، نویسنده می‌بایست به اسرار و رموز زبان و قابلیت‌های آن آگاه باشد تا در توصیفات و گفت‌وگوهای خود، آن را به بهترین شکل به کار گیرد، لازمه‌ی نوشتن گفت‌وگوی خوب شناخت عمیق نویسنده از مردم، جامعه، فرهنگ‌ها (آداب و رسوم، عقاید، تفکرات، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و ...)، سلیقه‌ها، تیپ‌های اجتماعی، ویژگی‌های روانی و ... است. گفت‌وگو در عین طبیعی بودن، نباید عین واقعیت باشد. یعنی در عین حالی که کاملاً واقعی نیست، ولی طبیعی باشد. زیرا گفت‌وگوهای واقعی در جامعه بسیار ساده و گاه سرد و بی‌مزه است و این هنر نویسنده است که در عین طبیعی بودن بتواند گفت‌وگویی با اشخاص خود بدهد که واقعی نیز بنماید.</p> <p>خواننده دوست ندارد که در طول فضا نویسنده و یا حتی رد پای او را ببیند و این خود مسئولیت و کار نویسنده را بیشتر و سخت‌تر می‌کند. به گفته‌ی بسیاری دشوارترین قسمت داستان‌نویسی، گفت‌وگو نویسی آن است.</p> <p>در این نوشتار سعی شده‌است نمونه‌هایی از نویسندگان مطرح انتخاب شود که دربر دارنده‌ی این صفات و ویژگی‌ها باشد تا به کمک آن بتوان به درک و شناخت بهتری از عنصر مهم "گفت‌وگو" را به تصویر کشید تا چراغی باشد فراروی نویسندگان جوان و مشتاق.</p>		

تقدیم به

همه‌ی کسانی که مزرعه سبز دل ماشان

هر باداد وزیدن نسیم را چشم می‌دارد

و

هر روز بانسیم صبا عاشقانه

آن را از هر علف هرز کینه و نفرت و حسد می‌پیرایند.

سپاس‌گزاری

در نسیمی کز سرزللف پریشانش وزید / دیده‌مایم تر شدند / بعد بارانی که می‌شست از نگاه و دیده‌ام، تیرگی‌های غبار آلود سخت
روزگار / در نگاه شسته‌ام / بر سر کج بلند / در کنار آشیان / سیر کجشکی که تنها و غریب / سر به لاک خود فرو افکنده بود / یک نگاه پاک، داشت
لبخندی به لب.

در زلال جویبار / در نسیم صبحگاه / در نگاه گل / در بلندای افق / و در این نزدیکی / در کنار همان مورچه‌ای، که هم اکنون به کنار

سفره‌ات می‌نغرد /

باز هم آن یک نگاه پاک، همان من است / وه! چه کرم است و لطیف / ای خدا! این نگاهت راز من پنهان مکن / اوین

نگاه خسته‌ام حیران مکن /

وین نگاه رانه فقط در هر کجا / که در آسازنی چشمان تو نیز / هر زمان میمان شدم، من دیده‌ام /

لفظ استاد که بیج! سپردید و مرشد جامی به دست / کز می‌نابش دادم مست مست / بخره‌های گذرند و آن چه می‌ماند صداست /

من صدای‌های تو را تا ابد در گوش می‌دارم /

سپاس و تشکر فراوان از استادان بلند طبع و والا مقام جناب آقای دکتر ابوالقاسم رحیمی و جناب آقای دکتر ابراهیم اساجی که راه‌نما و

مشاور این کم‌ترین بوده‌اند و هم چنین تمامی استادان محترم گروه ادبیات فارسی جناب آقای دکتر عشقی و جناب آقای احمد فتوحی نسب که در تمامی

بخطات از زلال چشمه‌ی وجودشان، جرعه‌جرعه نوشیدیم و عصاره‌ی وجودشان را بی‌مضائقه در کام تشنه‌ی کودکان عرصه‌ی علم چکانند به این امید

که این نهال با بار نشیند. امید که این گونه باشد.

فهرست مطالب

پیش از گفتار ۱

جستار نخست: زبان‌شناسی

جادوی زبان ۷، زبان چیست ۹، تعریف زبان ۱۰، پیدایش زبان ۱۲، تاریخچه‌ی مطالعه‌ی زبان ۱۳، ماهیت و نقش زبان ۱۷، مادرزادی بودن زبان ۲۱، رابطه‌ی زبان و تفکر ۲۲، زبان، جامعه، فرهنگ ۲۶، نقش زبان و هویت فرهنگی ۲۹، جامعه‌ی زبانی ۳۰، زبان و گفتار ۳۸، گفتار و گفتمان ۴۱،

جستار دوم: چگونه می‌توان زبان را پویاتر کرد

ویژگی‌های زبان ۴۵، جملات استثنایی و کاهش در زبان ۴۹،

جستار سوم: عوامل مؤثر در ایجاد تنوع زبانی

عوامل مؤثر در ایجاد تنوع زبانی ۵۳، تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی ۵۴، تفاوت‌های تاریخی (زمان) ۵۵، طبقات اجتماعی ۵۶، تفاوت‌های تحصیلی ۵۸، تفاوت‌های درون فردی ۵۸، تفاوت‌های سنی ۵۹، تفاوت‌های جنسیتی ۶۳،

جستار چهارم: انواع زبان و شکل‌های گوناگون بیان

زبان اشاره ۷۳، زبان جسمانی ۷۴، زبان صوتی غیر گفتاری ۷۴، زبات تصویری ۷۵، زبان رمزی ۷۵، نجواها و آواها ۷۵، زبان گفتاری و نوشتاری ۸۱، گویش‌ها و لهجه‌ها ۸۲، گونه یا سبک ۸۴.

جستار پنجم: شکل‌های نوین داستان‌نویسی

جریان سیال ذهن ۸۹، ویژگی‌های جریان سیال ذهن ۹۲، تک‌گویی ۹۴، حدیث نفس یا خودگویی ۹۴، تک‌گویی نمایشی ۹۵، تک‌گویی درونی ۹۵، سکوت ۹۸، تابو در داستان ۹۹،

جستار ششم: ادبیات

کدام ادبیات ۱۰۳، ادبیات چیست ۱۰۴.

جستار هفتم: گفت‌وگو در داستان

گفت‌وگو در داستان ۱۱۱، تعریف گفت‌وگو ۱۱۴، دشواری‌های گفت‌وگونویسی ۱۲۰.

جستار هشتم: نویسندگان و داستان‌ها

گفتار اول: سیمین دانشور

سیمین دانشور ۱۲۵، سووشون ۱۲۷، خلاصه‌ی سووشون ۱۲۸، ویژگی‌های کلامی ۱۳۰، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۱۳۱، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۱۴۸، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۱۵۴، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۱۵۹، تفاوت‌های درون فردی ۱۶۵، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۱۶۶، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۱۷۲، بازنمود لهجه‌ها و گویش‌ها در گفت‌وگو ۱۷۴، ایجاد تنش در گفت‌وگو ۱۷۷، لحن یا جنسیت در گفت‌وگو ۱۸۲، تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیای ۱۸۵، گویش‌های تاریخی ۱۸۵، جریان سیال ذهن ۱۸۶، تک‌گویی ۱۸۷، فضاسازی در گفت‌وگو ۱۹۱، گونه‌ی زبانی ۱۹۲، تابو در داستان ۱۹۳.

گفتار دوم: صادق چوبک

درخششی در پلشتی ۱۹۵، زبان چوبک ۲۰۶، گفت‌وگو ۲۰۹، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۲۱۱، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۲۱۹، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۲۲۴، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۲۲۹، تفاوت‌های درون فردی ۲۳۷، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۲۳۷، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۲۴۰، بازنمود لهجه‌ها و گویش‌ها در گفت‌وگو ۲۴۲، ایجاد تنش در گفت‌وگو ۲۴۳، لحن یا جنسیت در گفت‌وگو ۲۴۷، تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیای ۲۴۸، جریان سیال ذهن ۲۴۹، تک‌گویی ۲۵۰، حدیث نفس ۲۵۴، فضاسازی در گفت‌وگو ۲۵۵، نجواها و آواها ۲۵۷، تابو در داستان ۲۵۷.

گفتار سوم: محمود دولت‌آبادی

دولت محمود عشق ۲۵۹، جای خالی سلوچ ۲۷۱، خلاصه‌ی جای خالی سلوچ ۲۷۳، زبان سلوچ ۲۷۶، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۲۷۷/۲۸۹، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۲۹۲/۲۹۸، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۳۰۲/۳۰۰، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۳۰۳/۳۰۶، تفاوت‌های درون فردی ۳۰۷/۳۱۰، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۳۱۴/۳۱۷، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۳۱۸، بازنمود لهجه‌ها و گویش‌ها در گفت‌وگو ۳۱۹، انعکاس لحن در گفت‌وگو ۳۲۴/۳۲۴، ایجاد تنش در گفت‌وگو ۳۲۴/۳۳۱، لحن یا جنسیت در گفت‌وگو ۳۳۳/۳۳۷، تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیای ۳۳۷، تک‌گویی ۳۳۸/۳۴۱، فضاسازی در گفت‌وگو ۳۴۱، تابو در داستان ۳۴۲.

گفتار چهارم: هوشنگ گلشیری

هوشنگ گلشیری ۳۴۵، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۳۴۹، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۳۶۰، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۳۶۰، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۳۶۳، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۳۶۳، گویش تاریخی ۳۶۴، جریان سیال ذهن ۳۶۴، تک‌گویی ۳۶۵، فضاسازی در گفت‌وگو ۳۶۵، تابو در داستان ۳۶۵.

گفتار پنجم: محسن مخملباف

محسن مخملباف ۳۶۷، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۳۷۰، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۳۷۶، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۳۷۹، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۳۸۴، تفاوت‌های درون فردی ۳۸۷، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۳۹۰، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۳۹۱، انعکاس لحن در گفت‌وگو ۳۹۴، لحن یا جنسیت در گفت‌وگو ۳۹۶، تک‌گویی ۳۹۸، گونه‌ی زبانی ۴۰۰، نجواها و آواها ۴۰۱، تعلیق ۴۰۱.

گفتار ششم: احمد محمود

احمد محمود ۴۰۳، همسایه‌ها ۴۰۵، درخت انجیر معابد ۴۰۸، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۴۲۸/۴۱۲، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۴۴۵/۴۳۹، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۴۵۹/۴۴۹، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۴۷۱/۴۶۴، تفاوت‌های درون فردی ۴۷۷/۴۷۶، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۴۸۵/۴۸۰، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۴۹۹/۴۸۸، بازنمود لهجه‌ها و گویش‌ها در گفت‌وگو ۵۰۰/۵۰۰، انعکاس لحن در گفت‌وگو ۵۰۳/۵۰۲، ایجاد تنش در گفت‌وگو ۵۰۷/۵۰۳، لحن یا جنسیت در گفت‌وگو ۵۱۰/۵۰۸، تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیای ۵۱۲/۵۱۱، جریان سیال ذهن ۵۱۲، تک‌گویی ۵۱۵/۵۱۴، سکوت ۵۱۶، نجواها و آواها ۵۱۹/۵۱۷، تعلیق ۵۲۲/۵۲۱، تابو در داستان ۵۲۲.

گفتار هفتم: جلال آل‌احمد

جلال ۵۲۵، مدیر مدرسه ۵۲۹، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۵۳۰، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۵۳۴، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۵۳۵، تفاوت‌های درون فردی ۵۳۹، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۵۴۱، ایجاد تنش در گفت‌وگو ۵۴۲، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۵۴۲، تک‌گویی ۵۴۴، گونه‌ی زبانی ۵۴۵، تعلیق ۵۴۶.

گفتار هشتم: صادق هدایت

صادق هدایت ۵۱۱، بررسی گفت‌وگو در شخصت‌پردازی ۵۵۳، تبلور طبقات اجتماعی در گفت‌وگو ۵۵۴، درگاه تفکر و اندیشه از منظر زبان ۵۵۵، بازتاب عقیده در گفت‌وگو ۵۵۶، تشبیه، استعاره و کنایه در گفت‌وگو ۵۵۶، نمایش فرهنگ در گفت‌وگو ۵۵۷، بازنمود لهجه‌ها و گویش‌ها در گفت‌وگو ۵۵۷، ایجاد تنش در گفت‌وگو ۵۵۸، تک‌گویی ۵۵۸، نجواها و آواها ۵۵۹.

نتیجه‌گیری ۵۶۰

منابع و مأخذ ۵۶۱

پیش از گفتار

عشق و علاقه‌ی به ادبیات داستانی، هول هلیمی بود که مرا با کله به دیگ انداخت. من تنها دوستدار ساده‌ی داستان بودم. تصویرها و گفته‌های داستانی، برای من جذابیت خاصی داشت و این عشق مرا در زندگی به راهی کشاند، که گاه گذاری، داستانی را به مطالعه بنشینم و لزوماً هر دوستدار ادبیاتی، محقق خوبی هم نمی‌تواند باشد. اعتراف می‌کنم که هیچ‌گاه روحیه‌ی پژوهشی و تحلیلی و انتقادی خوبی نداشته‌ام.

من فقط دوستدار ادبیات محض بودم و و از شنیدن صدای اذان از «سر گلدسته‌ی سرو» و یا نجوای شبانه‌ی «ماه درویش» لذت می‌بردم، و هیچ‌گاه علاقه‌ای به جراحی این حس نداشته و ندارم. من زیبایی را دوست دارم لمس کنم، نه این که مطالعه کنم و بفهمم. عشق فهمیدنی نیست!

القصّه، این عشق مرا به وادی مطالعه داستان کشاند، و از میان همه‌ی انبیا «جرجیس» - عنصر گفت‌وگو- را برگزیدم.

هرگز گمان نمی‌کردم که عنصری بدین مهمی، این قدر فراموش شده و در انزوا باشد. هرچه بیش‌تر می‌گشتم، کم‌تر می‌یافتم. معروف‌ترین کتاب‌های داستان‌نویسی، فقط چند سطری، و به ندرت بندی در این مورد داشت و به قول بزرگواری که در جایی خواندم و نامش اکنون در خاطر من نیست: کمی سخن در باره‌ی گفت‌وگو، شاید به این دلیل است که ما ملت هنوز هم اهل دیالوگ و گفت‌وگو نیستیم، و آن را فرا نگرفته‌ایم و چون دیالوگ در زندگی مان جایی ندارد، پس چه حاجت به شناختش؟! می‌گفتم، سال‌ها بود که دیدن فیلم‌هایی که ساختاری ضعیف داشتند و گفتارشان به شخصیت‌شان نمی‌آمد، مرا عذاب می‌داد و کم بود فیلم‌هایی که این‌گونه نباشد.

در مدرسه که تدریس می‌کردم، جو کنکورزدگیِ سالیان اخیر آن‌چنان جوانان ما را در خود معلق کرده بود که در این زمینه پایشان به هیچ جا بند نبود. نه داستان خوانده بودند و نه می‌دانستند رمان چیست! و دریغ از نوشتن حتی چند سطر. همه چیز در درس خلاصه شده بود. با این روش در آینده‌ای نه چندان دور، نبودِ نویسنده‌ی خوب در عرصه‌ی فیلم‌نامه، نمایش‌نامه و داستان چندان دور از ذهن نیست.

این مرا برآن داشت تا به بررسی عنصر گفت‌وگو در فیلم و داستان پردازم که بعد به داستان تنها تبدیل شد.

در این نوشته‌ی مملو از عیب، در ابتدا سعی شده است که مقوله‌ی زبان در حد توان مطرح شود. میزان اهمیت و تنوع آن بازگو شود؛ چرا که عدم توجه به هر کدام از این موارد در داستان، باعث نچسب بودن توصیفات و به خصوص دیالوگ‌ها می‌شود.

شاید بتوان گفت به تعداد انسان‌ها، شکل‌های زبانی وجود دارد و هیچ دو نفری را نمی‌توان یافت که یک گونه بیاندیشند، پس یک گونه نیز سخن نخواهند گفت.

در بعضی آثار ما متأسفانه نویسنده در نوشتن دیالوگ‌ها هرگز شخصیت‌های خود را نتوانسته بشناسد و نتوانسته است که خود را به جای آن‌ها بنشاند و از منظر آنان سخن بگوید. به دیگر سخن نتوانسته که از پوسته‌ی «من نویسنده»ی خود خارج و به پوسته‌ی شخصیتش وارد شود. این گونه است که احساس می‌کنی همه‌ی شخصیت‌ها یک جور سخن می‌گویند.

به اعتراف بسیاری از نویسندگان و منتقدان، دشوارترین قسمت داستان گفت‌وگونویسی است.

چرا که نویسنده چند پاره می‌شود و این کاری دشوار است. او باید در باره‌ی هر یک از شخصیت‌هایش، محیط، فرهنگ، آدم‌ها، عقاید، سلیقه‌ها و... را به خوبی بشناسد تا بتواند خوش بدرخشد.

در این نوشتار بعد از بررسی زبان‌شناسانه‌ی زبان و گفت‌وگو در جستارهای نخست، سپس به

بررسی خود عنصر گفت‌وگو پرداخته‌ام. همان‌طور که گفتیم متأسفانه در این مورد منابع زیادی در

اختیار نبود و خیلی کم به عنصر گفت‌وگو پرداخته شده بود. گویا نوشتن از عنصر «گفت‌وگو» نیز به اندازه‌ی خود گفت‌وگونویسی دشوار است و این خود بر مشکلات من پیاده در عرصه‌ی علم و کلام می‌افزود. بنابراین اگر (که حتماً) نقصانی در این بررسی است، امید است به دیده‌ی اغماض بنگرید، چرا که بزرگان ما نیز چندان به آن نپرداخته‌اند.

آن‌گاه به شکل‌های مختلف زبان و عواملی که بر تنوع آن اثر دارد پرداخته شده‌است، تا شاید توجه نویسندگان را به آن جلب کند و امید می‌رود که در نوشته‌های خود همراه با تنوع شخصیت‌ها، تنوع زبانی را نیز در نظر بگیرند.

در چند جستار بعدی به مبحث ادبیات، عنصر گفت‌وگو، نویسندگان و آثار انتخاب شده پرداخته شده است.

در قسمت نمونه‌ها سعی شده گفت‌وگوهایی انتخاب شود که با تعاریف جستارهای ابتدایی هم‌خوان‌تر و متناسب‌تر باشد تا کمکی برای نویسندگان نوپا باشد. بنابراین در قسمت‌های پایانی کم‌تر و فقط در حد نیاز به نقد و تفسیر پرداخته شده است و در حقیقت سعی شده نمونه‌هایی برای مباحث قبلی آورده شود.

از آن‌جایی که موضوع ما عنصر گفت‌وگو است، بدیهی است که به سایر ویژگی‌های این داستان‌ها پرداخته نشده‌است.

در این نوشتار از روش‌های رایج تحقیق در علوم انسانی که بیش‌تر بر اساس مطالعه‌است بهره برده شده‌است. شیوه‌ی ارجاع به طریق درون‌متنی، به ترتیب نام خانوادگی نویسنده، سال نشر و صفحه آمده‌است. مانند: (آل‌احمد، ۱۳۸۴: ۳۱).

در منابع تکرار که پشت سر هم آمده‌اند، در صورتی که صفحه یکی بوده به صورت (همان) و چنانچه صفحه تغییر کرده‌است بعد از واژه‌ی همان ویرگول و سپس شماره‌ی صفحه آمده‌است.

جستار تحت

زبان‌شناسی

جادوی زبان

زبان چیست

تعریف زبان

پیدایش زبان

تاریخچه‌ی مطالعه‌ی زبان

ماهیت و نقش زبان

مادرزادی بودن زبان

رابطه‌ی زبان و تفکر

زبان، جامعه، فرهنگ

نقش زبان و هویت فرهنگی

جامعه‌ی زبانی

زبان و گفتار

گفتار و گفتمان

جادوی زبان

همیشه در خود می‌اندیشیده‌ام که چه شگفت‌انگیز است معجزه‌ی سخن و گفت‌وگو، چگونه است که گاه کلام، چندان حرف و پیامی ندارد و گاه اشاره‌ای هزاران کلام در خود دارد؟

حسن ارتباط، شاید اولین حسی است که بشر در آغازین لحظات حیات خود احساس نموده است، و حتی خیلی قبل از آن در آغارین دم خلقت، «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب / ۷۲) همه ساکتند و سردرپیش، کوه، آسمان، دریا و... و تویی که این پیام را می‌شنوی و تمام قامت برمی‌خیزی؛ از روی جهل بود یا شیدایی؟ به ناگاه شانه‌هاست سنگینی باری را بر خود حس می‌کند، و هنوز که هنوز است، گاه شانه‌هایت در زیر این بار می‌لرزد، چه بار سنگینی است، بار عشق!

در درندشت بی‌کرانه‌ی هستی، در سپیده‌دمان تولد انسان، از همان لحظه‌ی ورود، نگاهش مضطرب و گریان به اطراف دودو می‌زند، تا بیابد شاید لبخندی. و این گرمای حضور دیگران است که تسلاش می‌دهد. و گویا همین که سایه‌ی کسانی را در اطراف خویش می‌بیند، از گریستن باز می‌ایستد. چه حسن خوبی است، حسن ارتباط.

پنداری که همه‌ی پدیده‌های دنیا بر پایه‌ی «گفت‌وگو» بنا شده... مگر نه اینکه خداوند خود می‌گوید که «آفریدم، تا عبادت شوم»؟... و مگر نه آنکه وجه بیرونی و دیدنی ارتباط با آفریدگار که نام «نیایش»، «دعا» و عبادت بر آن می‌گذارند، گونه‌ای «گفت‌وگو»ست؛ شاید بایستی توضیح بیش‌تری

داد... آخر «گفت وگو» دو سوی دارد، در نیایش با نگاه ظاهری و به چشم سر «آفریده» با «آفریدگار» سخن می گوید و چراغ رابطه را روشن می کند... اگر این مهم «گفت» است و نه «گفت وگو» یعنی رابطه‌ای است یک‌سویه، سخنانی است از - فقط - بنده‌ی خدا، و پاسخ خدا را نمی شنویم، پس باید همه‌ی دیدگاه‌های مؤمنانه و باورمندانه را به دور بریزیم، و منکر همه چیز شویم... .

بی شک چنین نیست، رابطه‌ی همه‌ی موجودات عالم، با خدای قادر متعال نمی تواند یک‌سویه باشد. و وقتی دوسویه باشد «ارتباط» شکل می گیرد، و در این جا چنان که مورد نظر ماست «گفت وگو» حاصل می شود.

همه‌ی موجودات، کاینات و هستی، هستیشان در ارتباط با «مبدأ وجود» و هستی بخش هر چه هست و نیست شکل می گیرد و معنا می شود؛ و گفتشان، گویه‌ها یا واگویه‌ها نیست، گفت‌وگویی است که با چشم سر دریافت نمی شود و پس از خداوند متعال، اشرف مخلوقات نیز با پیروی از آنچه خداوند به آنان تعلیم داده، و بر پایه‌ی عهدی که در «الست» با «قالوا بلی» میان خدا و بنده‌اش بسته شده، آدمی در تنهایی هولناک زمین سخن گفتن با خود و با دیگری را آموخت، تا تنهایی و دوری از بهشت و از همه مهم تر «خدا» از پایش درنیورد.

اختراع خط و زبان که از هوشمندانه‌ترین ابتکارات آدمی است، در طی قرون و اعصار نیز در همین راستا و به همین منظور به وجود آمده است.

انسان برای کشف جهان درون و بیرون خود، و برای برقراری ارتباط با خدا، طبیعت، و هم‌نوع چاره‌ای جز آموختن، گفتن و «ارتباط» نداشته... و شعرهای عامیانه‌ی مردان و زنان، کارآواها، خواب‌آواها، و هزاران آیین و رسم، همه و همه در ادامه‌ی امر مهم «ارتباط» و «پیام» است که با خشت کلمات بنا شده و بالا رفته و «مکالمه» و «گفت وگو» هم‌چون رشته‌ای ناپیدا همه‌ی این‌ها را به هم پیوند داده است....

زبان چیست؟

برای پرداختن به مبحث «گفت و گو»، بسیار ضروری به نظر می‌رسد که ابتدا، به شناخت زبان پردازیم. زیرا بن‌مایه‌ی «گفت و گو» از زبان است و درحقیقت زبان بستر و پایه و اساسی است که ارتباط و «گفت و گو» بر آن نهاده می‌شود. و در مثل هم‌چون جاده‌ای که ما فقط بیش‌تر رویه و آسفالت آن را می‌بینیم و کم‌تر به زیرساخت آن توجه داریم، در حالی که حدود هشتاد درصد کار و هزینه در ساخت یک جاده‌ی ارتباطی مربوط به مراحل زیرساخت مانند: خاک‌برداری، خاک‌ریزی، کوبیدن و... می‌شود و تنها محصول نهایی آن جاده‌ای است با روکشی صاف و هموار و زیبا به نام آسفالت. «گفت و گو» نیز همانند جاده‌ای است که ما را به دیگران وصل می‌کند، رویه «گفت و گو» است و زیرساخت آن همان زبان است.

مهری باقری معتقد است که زبان نهادی اجتماعی است؛ انسان موجودی اجتماعی است و یکی از مهم‌ترین نیازهای او برقراری ارتباط با هم‌نوعان و ایجاد رابطه‌ی تفهیم و تفاهم است. زبان مهم‌ترین ابزار این ارتباط محسوب می‌شود (ر.ک: باقری، ۱۳۸۷: ۱۷).

بسیاری بین زبان و «گفت و گو» تفاوت قایل هستند، و این دو را در یک معنی نمی‌دانند، به نظر نیز صحیح می‌آید زیرا زبان مقوله‌ای بسیار گسترده است، و می‌توان آن را یک توانایی ذاتی و ذهنی بسیار وسیع و پیچیده به حساب آورد که تمامی هستی و آن چه در آن است را در بر می‌گیرد، و «گفت و گو» یا «سخن» فقط یکی از جلوه‌های بسیار محدود آن است.

زبان چیست؟ یکی از وسایل ارتباط میان افراد بشر. مهم‌ترین و گسترده‌ترین آن‌ها. آسان‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین آن‌ها. مقایسه‌ی آن با وسایل ارتباطی دیگر - مثلاً با علایم راهنمایی و رانندگی - کافی است تا وسعت و عظمت و قدرت عمل زبان را بر ما آشکار کند. اما به هر صورت هر دو در یک خاصیت مشترک‌اند: وسیله‌اند برای ایجاد ارتباط میان افراد بشر و لازمه‌ی زندگی اجتماعی آن‌ها (سارتر، ۱۳۸۸: ۳۲).

به عبارتی دیگر زبان همانند نور و منشوری است که یکی از جلوه‌های رنگی آن «سخن» و «گفت‌وگو» است، زیرا به جز «سخن» و «گفت‌وگو»، انسان از راه‌های دیگری نیز قادر به ایجاد ارتباط و انتقال پیام می‌باشد، مثلاً ما گاه حرف و پیام خود را در قالب تصویر پابره‌نه‌ای به کنجی نشسته، یا یک کاریکاتور، یک گل، یا قایقی شکسته در ساحل دریایی بی‌کران که در افق به تاریکی ختم می‌شود، یک آهنگ که گاه بسیار رساتر از کلام است و زخمه بر دل می‌زند، یک نگاه، لبخند، یک اشاره و... به دیگران منتقل می‌کنیم، ولی شکی نیست که پر کاربردترین جلوه‌ی زبان همان سخن گفتن است. و ما در این نوشتار زین پس، زبان و «گفت‌وگو» را به یک معنی به کار می‌بریم.

هر چند سوسور^۱ بین زبان و گفتار تمایز قایل است، و زبان را نظامی بالقوه می‌داند که فقط در ذهن است و گفتار کاربرد این نظام است؛ ولی بعدها رابرت هال برای یکنواخت شدن اصطلاحات پیشنهاد می‌کند که: «ما معنی زبان را در مباحث خود محدودتر کنیم و توافق کنیم که این اصطلاح را فقط در اشاره به فعالیت گفتار (Speech) به کار ببریم...» (هال، ۱۳۵۰: ۳۷).

تعریف زبان

به دلیل اهمیت زبان در زندگی انسان، تعریف‌های متنوعی از گذشته‌های دور تاکنون برای آن بیان گشته‌است. ولی کلیت این تعاریف در نهایت به یک نگاه برمی‌گردد؛ و آن این که زبان وسیله‌ای است منظم و دارای انسجام و هماهنگی که کار اصلی آن ایجاد ارتباط و انتقال پیام است؛ که این انتقال پیام به صورت نشانه‌ها و در قالب جمله انجام می‌گیرد. «زبان دستگاهی است از علائم آوایی، قراردادی که برای ارتباط بین افراد یک اجتماع به کار می‌رود» (باطنی، ۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۰۴).

هنگامی که کسی در خطریا در محذوراست به هر ابزاری دست می‌آویزد. چون خطر گذشت دیگر حتی به یاد نمی‌آورد که آن ابزار چکش بوده است یا کُنده‌ی درخت.